

اوجگیری راسیسم

چه کسی دیوانگان را از زنجیر رها ساخت

در عرض یکماه اخیر پنج نفر خارجی مورد تهاجم مسلحانه قرار گرفتند و آخرین آنان بعد از يك شبانه روز دست و پنجه نرم کردن با مرگ، جان سپرد .
می‌گویند کار دیوانه‌های بیش نبوده است . همانطور که در مورد هر چهار نفر دیگر گفتند، بهمانگونه که در مورد آتش زدن کمپهای پناهندگان و منفجر کردن اردوگاه - های مهاجرین گفتند .

چه شده است ؟ گویا تمام دیوانگان از خواب خلسه برخاسته اند .
بر این دنیا چه گذشت که تمامی دیوانگان در چهار گوشه ارض، در آمریکا و آلمان، در فرانسه و سوئد و ۰۰۰ بیکیاره و باهم از خواب بیدار شده‌اند .
آنها دروغ می‌گویند، آنها با محدود کردن عمق مسئله به چند دیوانه جنایی، در پی پنهان کردن چهره انانی هستند که این دیوانگان جنایی را از زنجیر رها کرده‌اند .
تمامی این وقایع تنها گوشه‌ای از موج بزرگی است که سراسر دریای طوفانی کشورهای امپریالیستی را در بر گرفته است . طوفان موجها را بحرکت در آورده است و موجها در حالیکه به بزرگتر و بزرگتر شدن خود می‌بالند هر از چند گاهی بر ساحل بشریت می‌تارند و انسانی را در خود می‌بلعند .

۱۷٪ مردم فرانسه به حزب آشکارا فاشیستی تحک رهبری لوپن رای دادند . همتای دیگر لوپن در یکی از ایالات آمریکا حدود ۴۰٪ آراء انتخابات کاندیداتوری ریاست جمهوری حزب جمهوریخواه را در آن ایالت بدست آورد . يك حزب فاشیستی در انتخابات بات اطریش سومین حزب بزرگ این کشور شد و در بلژیک در انتخابات نوامبر ۹۱ حزب برادرش مقام چهارمین حزب بزرگ را احراز نمود چرا ؟

تبلیغات و عوام‌فریبی‌ها موضوع را به اختلافات فرهنگی برمیگردانند. این غلط است. تنوع فرهنگی نه الزاما محدود کننده بلکه حتی میتواند غنی بخش باشد. آنها می‌گویند پناهندگان و مهاجرین تن پرور هستند. این نیز غلط است، حد متوسط ساعت کار روزانه در کشورهای جهان سوم به مراتب بیشتر است و شدت کار افزونتر. حتی در همین جوامع، برای مثال در استکهلم، مرکز سوسیال دموکراسی در اروپا، بیست و هفت درصد کارهای نظافت را خارجی‌ان انجام می‌دهند در حالی که خارجی‌ان کمتر از ۱۰٪ جمعیت این شهر را تشکیل می‌دهند.

امروز اینگونه منطبق‌ها و دلایل رنگارنگ دست بدست هم می‌دهند تا دلیل واقعی را پشت سر خود پنهان سازند.

آنچه وقایع اخیر را و در مفهوم وسیعتر، آنچه فعل و انفعالات جهان کنونی را رقم می‌زند، اساسا به تنگناهای سیاسی - اقتصادی و اجتماعی در پایگاه‌های اصلی جهان سرمایه‌داری بر می‌گردد. حکمداران غرب و شرق هر کدام در بالاتر کشیدن بیرق "بازار آزاد" با هم گوی رقابت‌گدار دارند. مسکو و متحدین اسبقش امید دارند با تعویض نوع دولتی سرمایه‌داری با مدل غیردولتی آن و با برداشتن ماسک ریاکارانه "سوسیالیستی" از چهره‌هایشان بتوانند گریبان‌شان را از این بحران برهانند. اما این بحران از کارکرد غلط سرمایه‌نشأت نمی‌گیرد، بلکه ناشی از عملکرد واقعی و درست آنست. یعنی بحران در ذات سرمایه است، برای همین هم مدل غیردولتی غربی و هم مدل دولتی شرقی را با هم بمنجلا بکشید.

ذات سرمایه (و یا اقتصاد "بازار آزاد") در تولید سود و انباشت آن سود - بر روی سرمایه اولیه جهت بدست آوردن سرمایه بزرگتر است. این تواتر آنقدر تکرار می‌گردد که مدار انباشت در بچنگ آوردن ارزش و تبدیل آن به سود با تنگنا روبرو می‌شود. و آنجاست که سرمایه حریص تر و هارتر می‌شود.

تولید بدون سود و یا حتی با سود کمتر بمعنای مرگ سرمایه است پس متوقف می‌شود، کارگران اخراج می‌شوند، توزیع محدودتر می‌شود، تورم بالا می‌رود و فقر و ستم در بین اقشار تحتانی جامعه شدیدتر می‌گردد.

دستگاه سیاسی حفاظت از کارکرد سرمایه در تب و تاب اتخاذ تدابیر عاجل قسرار می‌گیرد. دو رشته تدابیر اهمیت ویژه‌ای دارند. یکم آندسته تدبیرهایی که برای برطرف کردن "محدودیت‌های" سرمایه جهت کارکرد سودآور اتخاذ می‌شوند.

" رفرمهای مالیاتی " (کاهش مالیاتهای مستقیم و افزایش مالیاتهای غیر مستقیم)،
قوانین اقتصادی جدید ، بلوک بندی های جهانی (بازار مشترك ۰۰۰)، همه و همه
در این راستا به اجرا گذاشته می شوند .

و دوم اینکه تمامی تدابیر فوق ، خصوصا تدابیر کوتاه مدت ، افزایش درآمد سرمایه
را بحساب فقیرتر شدن طبقات پائین فراهم می سازد . بنابراین نقش فوق العاده مهم
دستگاه سیاسی ، مقابله با اعتراض اجتماعی و خصوصا به انحراف کشاندن ذهنیت
آنست .

تا اواخر دهه ۸۰ ، مقابله با بلوک شرق - مقابله با هیولای " کمونیسم " - یکی از
مهمترین شگردها بود . اخبار ، رپورتاژ و حتی صدها فیلم سینمایی بخدمت ایمن
تقابل در جهت تسخیر اذهان مردم درآمدند . نامالییات اجتماعی بنام ضرورت مقابله
با شوروی مشروع جلوه می شد و هر اعتراض اجتماعی به اسم کارشکنی در مبارزه بزرگ
" د مکرسی " غرب علیه دیکتاتوری شرق سرکوب می شد .

الان چی ؟ سرمایه دولتی نوع روسی ماسک " کمونیستی " اش را خوشبختانه بر زمین
انداخت ، و بمدل غربی سرمایه پیوست . چه کسی باید مسئول مشکلات اجتماعی
شناسانده شود ؟

حکمداران سیاسی این جوامع ، این نقش را بردوش خارجیان نهاد هاند . پناهنده -
پذیری یکی از مهمترین اسلحه های غرب " انسان دوست " در مقابل شرق بود . در
کنار آن تامین نیروی کار ارزان نیز صد البته عملی گردید .

امروزه جهان " انسان دوست " غرب دیگر نیازی به این اسلحه در مقابل شرق ندارد
امادر جهت به انحراف کشیدن نا آرامی های جوامع خود در پی استفاده از آن است .
در مقابل چشمان عقب مانده ترین اقشار اجتماعی ، خارجیان و " هزینه هایی کسه
دولت برای پناهندگان صرف می کند " علت بیکاری و فقر معرفی می شود . و تمام این
کارها بشکلی ظریف و دقیق انجام می شود . برای مثال وقتی آقای وزیر مسکن
سوسیال دمکرات اعلام می کند که " جوانان ما دلك خواهند کرد که چرا الان پنا -
هندگان باید صاحب مسکن شوند ولی آنها نه " ، یک ظاهر فوق العاده " انسانی "
از خود بنمایش می گذارد ولی در حقیقت پیامش به بی مسکن ها این است که اگر شما
خانه ندارید مسئول پناهندگان هستند .

از طرف دیگر بعنوان مکمل این تبلیغات دستجات فاشیستی با شیوه های مختلّف
بحرکت کشانده می شوند تا جو رعب و وحشت را چیره سازند . کانالهای تلویزیونی یکی

پس از دیگری شکل گیری گروههای جدید راسیستها را ، مسلح شدن آنها و عملیات -
هایشان را بنمایش می گذارند . حتی از انتشار آمار کاذب نیز دریغ نمی ورزند . برای
مثال تلویزیون دولتی اعلام نمود که در انتخابات مدارس گروههای راسیستی ۱۰٪ آرا
را بدست آورد هاند ، اما در اوایل نوامبر ، شاخه جوانان سوسیال دمکرات این آمار
را نادرست خواند . هدف از این تبلیغات روحیه دادن ، جرات بخشیدن به عناصر
منفعل پایه اجتماعی این گروهها ، و بدین وسیله ، فعال کردن آنهاست .

سیستم سیاسی حفاظت از سرمایه نقش دیگری را نیز برای خود تدارک می بیند ، نقش
ثالث و بیطرف . و این از همه خطرناکتر است . یعنی در زمان اوج گیری ناآرامی های اجتماعی
و حرکت همه جانبه دسته های فاشیستی ، دولت بعنوان نیروی سوم ، عرض اندام خواهد
نمود . از هم اکنون این نقش را در اینجا و آنجا بنمایش می گذارد . برای مثال وزیر
ایالت بایرن در آلمان ، در ماه نوامبر اعلام نمود که به کسانی که مهاجمین به خارجیان
را شناسایی کنند مبلغ ده هزار مارک جایزه تعلق خواهد گرفت . باز " انسان دوستی "
قد علم می کند ، اما این درحالیست که دولت همین آقای وزیر در آلمان تصویب نموده
است که هر خارجی علی رغم اینکه سالها در آلمان اقامت داشته باشد ، در ازاء کوچک -
ترین " خطای قانونی " ، حتی رد شدن از یک چراغ قرمز در حین رانندگی ، از کشور
آلمان اخراج خواهد شد .

در نتیجه این حکمداران سیاسی سرمایه ، هم مسئولیت مشکلات جامعه را بر دوش
پنهانده و خارجی می گذارند ، هم دولت را بعنوان مسئول اصلی این تهاجمات علیه
خارجیان از صحنه خارج می کنند و هم با نقش ناجیان " انسان دوستی " دولت را
مجددا وارد صحنه می کنند ، تا اینبار نیز نارضایتی و اعتراضات اجتماعی اقشار پائینی
خود این جوامع را بعنوان بمقابله با هرج و مرج در مسیر و بامید رونق مجدد سرمایه
سرکوب کنند .

تمامی افراد و جریاناتی که نتوانند واقعیت های فوق را بعنوان یک مجموعه در نظر
بگیرند و محرک های اوضاع کنونی را همه جانبه ارزیابی کنند ، می توانند به این و یا آن
شکل به بازی گرفته شوند .

در اینجا نکته فوق العاده مهم دیگری نیز مطرح است . امپریالیسم فقط با جنگ جهانی
توانست از تنگای بحرانهای اوایل و اواسط قرن بیستم گریبانش را موقتاً رها سازد .
اما اینبار در پایان قرن بیستم بنا بدلائیل گوناگون سیاسی - اقتصادی - نظامی و

از آن جمله عمد تر شدن بلوک‌بند یهای عمد تا سیاسی بجای بلوک‌بند یهای سیاسی - اقتصادی، از یک جنگ جهانی برحذر ماند . در نتیجه از مکانیسم رونق نسبی مجدد سرمایه بشکل معمول آن بی بهره است، آنچه از هم اکنون می توان گفت از تحقق مکانیسم جدید اثری نیست . سرمایه کماکان ها رتر روزه می کشد .

جای بلوک‌بند یهای عمد تا سیاسی د یروز را کم کم بلوک‌بند یهای عمد تا اقتصادی می گیرند، اروپا بهم فشرد مترو " صمیمی تر " می شود تا بتواند در مقابل ژاپن و آمریکا قدرت نمایی کند . آمریکا در تلاش است اقتصاد خود را در رکاب قدرت برتر سیاسی - نظامی به پیش بتازاند و ژاپن در گوشه ای دیگر آرام آرام بجلو می خزد، ولی هنوز هیچکس را یارای صحبت از چگونگی مکانیسم رونق نسبی، نیست .

در نتیجه اوضاع بحرانی تر خواهد شد سرمایه د رمانده سود باد کتشیهای مکنده اش را در اولیه ترین نیازهای انسانی اقتصار پائین و خلقهای کشورهای تحت سلطه بیشتر فرو خواهد برد، شکافهای اجتماعی عمیقتر خواهند شد . بموازات آن این سیستم را سیستم را هر چه بیشتر از زنجیرها می سازد تا بتواند در پشت آن خود را مخفی سازد .

از آنجا که ستم تشدید می شود، مقاومت بیش از قبل قد علم خواهد کرد . زنان و خارجیان هم اولین قربانیانند و هم اولین شورشگران .

بحران با تمامی زشتی هایش اما ، یک جنبه زیبا دارد، بحران ماهیتها را بیشتر رو می کند . باید به آن خوشامد گفت . بحران آنقدر قدرت دارد که وقتی پای به صحنه می گذارد ، سوسیال د مکرسی سوئد را از پشت پرچمهای سرخ و سفید انترناسیونال و از بین کارگران متشکل در اتحادیه هایش، بیرون می کشد و لایحه لغو حق اعتصاب بمدت دو سال " را بدستش می دهد .

تمامی اینها بیان اوضاع مساعد تر برای روشنگری است . این روشن بینی کم کم بر چاشنی انفجار مقاومت می افزاید . جنبش زنان ، " خارجیان " و کارگران بتدریج ابعاد وسیعتری بخود می گیرد . باید به استقبال این جنبش ها شتافت . باید در حرکتی ضد راسیستی که بعنوان یکی از اولیه ترین اشکال اعتراض توده ای قد بر - افراشته است، شرکت کرد و سعی در طرح و جا انداختن این واقعیت نمود که راسیسم زائده امپریالیسم، چهره ای از آن و اسلحه ای ضروری برای آنست .

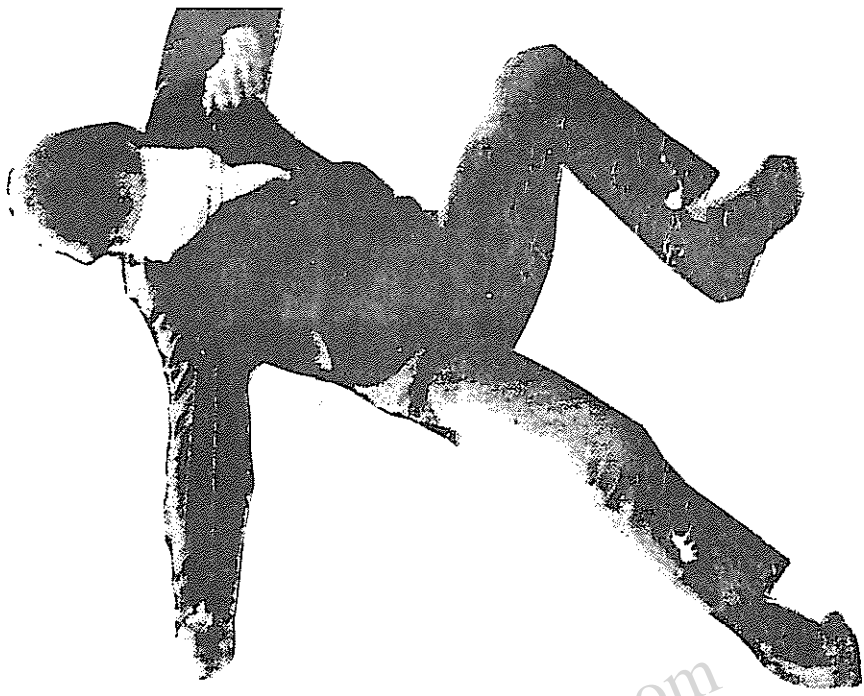
دیوانگان جنایی را همین سیستم امپریالیستی از زنجیرها می دهد . باید این دریای گندیده را خشکاند . تنها راه همین است هر چند که آسان نیست . شکست

انقلاب در شوروی و چین تجارب و درسهای پرباری را برای تسویه حساب قطعی با هرگونه ظلم و ستم و استثمار فراهم کرده است .
باید پرچم " بازار آزاد " را در صورت امپریالیسم و راسیسم کوبید .
باید پرچم انترناسیونالیسم را بالاتر و بالاتر برافراشت و هر چه رساتر اعلام نمود که پرولتاریا سرزمین پدیری ندارد ، در سرزمین امپریالیستها ما همه خارجی هستیم .
راسیسم را می توان و باید در حلقوم امپریالیسم خفه کرد .

مرگ بر راسیسم، مرگ بر امپریالیسم
زنده باد انترناسیونالیسم
پیروز باد جنبش انقلابی انترناسیونالیستی
زنده باد مائوئیسم
زنده باد انقلاب، زنده باد کمونیسم

هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران (سرزندان) - سوئد

نوامبر ۱۹۹۱



www.iran-archival.com

